

تأملی در کتاب

# قرآن کریم و تفاسیر متقدم شیعه امامیه

از میر باراشر

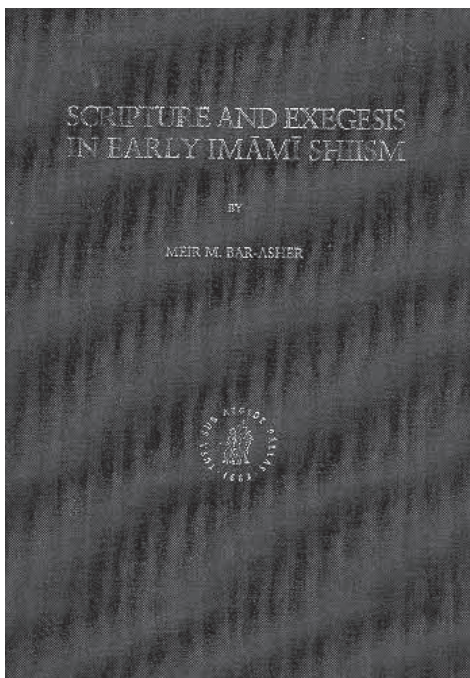
*Scripture and Exegesis in Early Imami Shiism*, Meir M. Bar-Asher, The Hebrew University Magnes Press Ltd, 1999.

علی حسن نیا

آغاز غیبت کبری امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه) و سیر تغییراتی که مکتوبات تفسیری و روایی آنان دستخوش آنها شده است، به ویژه در دوران بین دو غیبت؛ یعنی: دوران پیش از آل بویه از آن جمله اند. اشاره به ساختار کتاب و مصادر آن نیز پس از این پیشینه دینی و تاریخی، بجا و مناسب است.

چینش فصل‌های آمده در پژوهش نیز منطقی است؛ از آنجا که مؤلف در نظر داشته تا تفاسیر پیش از آل بویه را بررسی کند، بایسته است پیش از هر چیز، به مهم‌ترین مکتوبات تفسیری این دوره و سپس به ویژگی‌ها و دیگر مباحث مرتبط با آن پردازد. نگاهی گذرا بر کتاب نشان می‌دهد که این ترتیب در آن به گونه‌ای خوب و سودمند رعایت

شده است؛ فصل اول بررسی چهار تفسیر پیش گفته؛ یعنی: تفاسیر فرات، عیاشی، قمی و نعمانی، با تقدم و تأخر زمانی، است و در هر کدام به گونه‌ای منظم و یکدست با بررسی زندگانی مؤلف و محتوا و ساختار کتاب و نسخ خطی و چاپی



با نگاهی به محتوا و ساختار کتاب نکاتی که به نظر جزو نقاط قوت و ضعف این اثر هستند به تفکیک در زیر نقاط مثبت و منفی این اثر را می‌توان در سه بخش ساختار و روش، منابع، مبانی و اصلاعات و تحلیل مطالب تقسیم کرد:

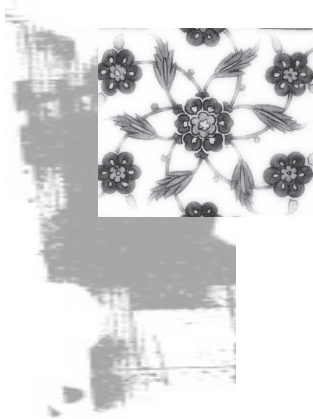
## نقاط قوت

### ۱. از نظر ساختار

۱-۱. این کتاب را می‌توان نمونه‌ای جدید از آثار غربیان در حوزه تفاسیر شیعی دانست. ارائه مطالب در آن نظام مند بوده و دسته‌بندی‌های دقیق و جامع آن در عرضه مباحث باعث شده تا مطالعه آن هم در حوزه مطالعات دانشگاهی غرب و هم

در حوزه مطالعات مسلمانان مورد توجه و تأمل قرار گیرد. این دسته‌بندی‌ها را می‌توان از همان ابتدا در مقدمه که پیشینه‌ای تاریخی و دینی است مشاهده کرد؛ بررسی هر چند به اجمال ولی نسبتاً جامع شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه از





اخبار الرضا بحار الأنوار،  
وسائل الشيعه، شرح  
عقائد الصدوق (یا  
تحصیح الاعتقادات)،  
رساله فی الاعتقادات،  
فرق الشيعه المقالات  
و الفرق، الشافی فی  
الإمامه، تنزیه الأنبياء،  
أمالی صدوق، خصال،  
إكمال (یا کمال) الدین،  
علل الشرائع، معانی  
الأخبار، ارشاد و کتاب

الإختصاص از شیخ مفید، کتاب احتجاج، تفاسیر مجمع البیان،  
التبیان، الصافی و ... ستودنی است. توجه و مراجعه وی به  
این مصادر با توجه به اینکه احتمالاً حضور تمام این منابع، به  
آن فراوانی که در اختیار ما هست، در دسترس پژوهشگران  
غربی نیست و استفاده از اغلب این مصادر نیازمند دانست زبان  
عربی است - چرا که ترجمه لاتین آنها کمتر انجام شده است  
- ارزشمند است. شاید کمتر محقق غربی را بتوان یافت که در  
حوزه مطالعات شیعی علاوه بر نظرات غربیان و کتاب های  
ترجمه شده، به صورت گسترده اقوال و نظرات را در کتب  
اصلی شیعه مورد بررسی قرار داده و حتی در برخی موارد به  
نکات ریز و دقیقی اشاره کرده باشد که بدون شک، با توجه به  
ترجمه نشدن نرم افزارهای تولید شده در این حوزه، رسیدن  
به این نکات نیازمند صرف زمان و دقت وافر است.

۲-۲ افزون بر آن، بهره‌گیری وی از دیدگاه‌های دیگر  
محققان غربی همچون کلبرگ، گلدتسهریر، مادلونگ، نولدکه  
و ... و محققان شیعی همچون مدرسی نیز به فراخور مباحث  
و نیز بررسی آن نظرات تا حد نیاز این پژوهش خوب بوده  
است.

### ۳. از نظر تحلیل مطالب

۳-۱. بررسی شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در  
ارزیابی مطالب از دیگر نقاط مثبت مورد توجه در پژوهش  
ایشان است؛ با توجه به اینکه شیعه از ابتدای شکل‌گیری  
اش به عنوان یک فرقه دین، دستخوش تغییرات و جریان  
های مختلفی شده و شرایط اجتماعی و سیاسی هر دوره ای از  
حیات شیعه باعث نوعی تغییر و واکنش در بین شیعیان شده  
است، نکته‌سنجی‌های نویسنده در یافتن نقاط اوج و فرود  
شیعه به‌ویژه در فرایند شکل‌گیری تفاسیر آنان تا زمان غیبت  
کبری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و پس از آن جالب و  
در خور توجه است. در این راستا دیده می‌شود که ایشان حتی  
از توزیع مکانی شیعیان و شرایط جغرافیایی آنان نیز غافل

آن، به ارزیابی مطالب و نظرات مطرح شده درباره آن پرداخته  
است. هر جا ضرورتی احساس می‌شده نیز مطلبی را به فراخور  
بحث آورده است؛ مانند: مقایسه بین تفسیر نعمانی و تفسیر  
قمی برای درک شباهت‌های بین این دو کتاب یا موضوع  
نسخ آیات در تفسیر نعمانی و ... نویسنده پس از بررسی  
تفصیلی این چهار تفسیر، در فصل دوم دوران بین دو غیبت  
را به عنوان یک مدرسه تفسیری مورد کنکاش و تحلیل قرار  
داده و ویژگی‌های تفاسیر این دوره را از دید خویش چینه‌س  
کرده است.

در فصل سوم نیز بازتاب عقاید امامیه را در درون این  
تفاسیر مورد تحلیل قرار داده است و در واقع‌نمایی کلی از  
محتوای تفسیری این دوره را به نمایش گزاده است.

۱-۲. ارائه مطالب در تمامی این بخش‌ها به صورتی  
است که نه بسیار به آنها پرداخته به گونه ای که حوصله  
خواننده یاری مطالعه تمامی آن جزئیات نباشد و نه به اندک  
بحث بسنده کرده است. این ویژگی موجب شده است تا کتاب  
حاضر از نظر آموزشی و روشی اثری سودمند و آموزنده باشد.  
۱-۳. افزون بر این، برخی از بخش‌هایی که نویسنده  
به آنها پرداخته است، از آنجا که در دیگر پژوهش‌ها کمتر  
دیده می‌شوند، قابل ملاحظه و آموزنده‌اند؛ برای نمونه،  
بخش‌های «ویژگی‌های اعتقادی بخش جارودی در تفسیر  
قمی» و «برخورد تفسیر نعمانی با موضوع نسخ آیات قرآن»  
از این گونه اند.

۱-۴. نگاه دقیق نویسنده به نسخ خطی و چاپ سنگی  
و چاپ‌های تفاسیر مورد بحث و مقایسه آنها با یکدیگر جهت  
بازکوی حذفیات و تغییرات احتمالی مصححان و ناشران از  
جمله مواردی است که تا پیش از این در نگاشته‌های تحقیقی  
پیرامون این تفاسیر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برای  
نمونه می‌توان به بررسی تغییرات یا - به تعبیری که در این  
پژوهش آمده است - سانسورهای چاپ‌های مختلف از تفسیر  
قمی در فصل اول اشاره کرد.

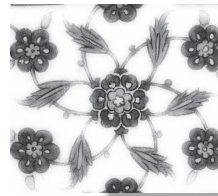
۱-۵. از نکات جالب توجه دیگر این پژوهش می‌توان  
به تهیه فهرستی سودمند از ارجاعات داده شده به ابوالجارود  
در تفسیر قمی اشاره کرد. این فهرست که به پیوست کتاب  
حاضر ارائه شده است، در بر دارنده نشانی روایاتی از تفسیر  
قمی است که از ابوالجارود نقل شده است.

### ۲. از نظر منابع، مبانی و اطلاعات

۲-۱. کوشش مؤلف در مراجعه به منابع و اقوال مختلف  
در رسیدن به درستی یک نظریه و استفاده وی از منابع مهم و  
دست اول شیعه همچون منابع رجال، روایی، فقهی، اعتقادی  
و تفسیری (مانند: رجال نجاشی، رجال و فهرست طوسی، رجال  
کشی، فهرست شیخ منتخب الدین، الذریعه، کافی، عیون



نبوده و به عنوان نمونه مدارس کوفه و قم و راویان آنها را تا آنجا که لازم بوده، مورد بررسی قرار داده است. از جمله پژوهش‌های دیگر نویسنده در این مجال نیز می‌توان به سیر شکل‌گیری و تطور فوق مختلف و تأثیرگذار شیعه اشاره کرد.



۲-۳. در بررسی تفاسیر مذکور، مؤلف تلاش کرده است تا عقاید غالبان شیعه را در روایات این تفاسیر بازکاوی کند. در این زمینه هر چند استنادات وی دارای نواقصی است، با این حال نباید از دقیق بینی وی غافل شد.

۳-۳. استفاده از مباحث دقیق تاریخی، ذکر تاریخ دقیق حوادث، تولدها و وفات‌ها نیز از جمله نکات قوت این اثر است.

### نقاط ضعف

#### ۱. از نظر ساختار

۱-۱. فروکاستن مدرسه تفسیری پیش از آل بویه به چهار تفسیر مزبور؛ در این پژوهش مؤلف با منحصر کردن خود به چهار تفسیر مورد بحث، مدعی است که این تفاسیر را می‌توان به عنوان یک مدرسه تفسیری مجزا در نظر گرفت و لذا تمامی بحث خود درباره دوره بین دو غیبت را بر این تفاسیر معطوف ساخته است. باید گفت که اولاً اگرچه این چهار تفسیر ظاهراً تنها تفاسیری‌اند که از این دوره به دست ما رسیده‌اند، اما تفاسیر دیگری بوده‌اند که در گذر روزگار به طوفان تباهی سپرده شدند و اکنون به صورت کامل در اختیار ما نیستند. با این حال، می‌توان بسیاری از روایات آنها را از میان کتب روایی بازیابی و جمع‌آوری کرد (در این باره ر.ک. همین کتاب، ص ۵۶، پانوشت ش ۱). از سوی دیگر، علمای شیعه درباره هر چهار تفسیر مزبور نظر مساعدی نداشته‌اند و

همواره با تردید به روایات و حتی انتساب آنها به صاحبانشان نظر می‌کرده‌اند.

با این توضیح، به یقین در این دوران علاوه بر آنچه که وی آن را عقاید امامیه بر شمرده است و غالب آنها عقاید افراطی‌اند، عقاید معتدل دیگری نیز وجود داشته است.

۲-۱. درست نبودن ارجاعات داده شده؛ در برخی موارد اشتباهاتی در ارجاعات دیده می‌شود؛ برای نمونه، ر.ک. همان، ص ۷۶، پانوشت ش ۳؛ ص ۸۷، پانوشت ۲؛ ص ۸۸، پانوشت ۱.

۳-۱. مشخص نبودن مستند قول مؤلف در برخی ادعاها؛ برای نمونه، همان، ص ۲۲، پانوشت ش ۴ (در رابطه با وفات مفضل بن عمر)؛ ص ۷۷، پانوشت ش ۳ (ادعای اینکه عایشه دشمن اصلی شیعه است).

۴-۱. درست نبودن نقل‌ها؛ در مواردی نویسنده باور درست آمده در کتابی را نقل نکرده است و لذا با نقل ناقص و نادرست آن، اشتباهاتی را موجب شده است؛ مانند: نقل قول از شیخ مفید و سید مرتضی و منتسب کردن آنان به قائلین به تحریف قرآن (همان، ص ۴۱، پانوشت ش ۱)، یا نقل اشتباه از مدرسی (همان، ص ۳۸، پانوشت ش ۱).

۱-۵. ناهماهنگی در اقوال مؤلف؛ گاهی نویسنده در یک جا ادعایی را آورده و در جایی دیگر همان ادعا را به صورتی متفاوت ذکر می‌کند؛ برای نمونه ر.ک. همان، ص ۲۰، پانوشت ش ۳ (درباره نقطه آغازین تشیع)؛ ص ۶۹، پانوشت‌های ۳ (درباره سال وفات علی بن ابراهیم) و ۴ (درباره شهادت امام رضا).

#### ۲. از نظر منابع، مبانی و اطلاعات

۱-۲. پیش‌فرض‌های نادرست و بعضاً سنی مؤلف باعث شده تا در تحلیل مطالب درست عمل نکند؛ مانند: ادعای محبوبیت عایشه نزد پیامبر خدا... به عنوان محبوبترین همسر ایشان (ر.ک. ص ۷۸، پانوشت ش ۱). این در حالی است که کنکاشی گذرا در کتب معتبر تاریخی، نویسنده را بر نادرستی آنها رهنمون می‌ساخت.

۲-۲. عدم توجه به معنای صحیح برخی اصطلاحات و عقاید شیعه همچون تقیه و عصمت.

